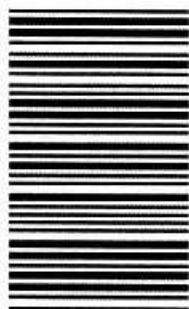


کد کنترل

322

A



322A

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

صبح جمعه

۱۴۰۱/۱۰/۳۰

دفترچه شماره ۲

آزمون اختصاصی (سراسری) ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات

آموزش عالی کشور - نوبت اول - سال ۱۴۰۲

گروه آزمایشی علوم انسانی

ملاحظات	زمان پاسخ‌گویی	تا شماره	از شماره	تعداد سؤال	مواد امتحانی	ردیف
۸۰ سؤال ۷۵ دقیقه	۲۰ دقیقه	۱۰۰	۸۱	۲۰	زبان عربی	۱
	۲۰ دقیقه	۱۱۳	۱۰۱	۱۳	تاریخ	۲
		۱۲۵	۱۱۴	۱۲	جغرافیا	۳
	۲۰ دقیقه	۱۴۵	۱۲۶	۲۰	فلسفه و منطق	۴
	۱۵ دقیقه	۱۶۰	۱۴۶	۱۵	اقتصاد	۵

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا منخلین برابر مقررات رفتار نمی‌شود.

دی ماه ۱۴۰۱

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب.....با شماره داوطلبی.....با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضاء:

■ ■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۸۱ - ۸۸)

۸۱- ﴿ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خِئْلَةً ﴾:

- ۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی فرا برسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی‌ای!
- ۲) انفاق کنید از روزبهایی که به شما داده‌ایم پیش از اینکه آن روز فرا برسد که نه خرید در آن است و نه دوستی!
- ۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزی شما ساختیم پیش از اینکه روزی برسد که هیچ فروشی در آن نیست و هیچ دوستی!
- ۴) از آنچه روزی شما کرده‌ایم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز برسد که هیچ خرید و فروشی در آن نیست و هیچ دوستی‌ای!

۸۲- « إِنَّمَا اتَّقَى الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الَّذِينَ يَتَعَامَلُونَ مَعَ النَّاسِ تَعَامُلًا يُرْضِي اللَّهَ، لِأَنَّ التَّقْوَى لَا تَجْلَى إِلَّا فِي الْأُمُورِ الْجَارِيَةِ وَ لَيْسَتْ أَمْرًا مَكْتُومًا فِي الْقُلُوبِ! »: پرهیزگارتین مؤمنان

- ۱) آنانی هستند که با مردم فقط با خشنود ساختن خدا معامله می‌کنند، زیرا تقوی در کارهای جاری متجلی می‌شود و امری پنهان در قلبها نیست!
- ۲) تنها آنانند که با مردم به‌شکلی که خداوند رضایت می‌دهد رفتار می‌کنند، زیرا تقوی در امور جاری ظاهر می‌شود و یک موضوع پنهان در درون قلبها نیست!
- ۳) فقط کسانی هستند که با مردم معامله‌ای می‌کنند که خدا را خشنود سازد، زیرا تقوی فقط در امور جاری آشکار می‌شود و مسأله‌ای پنهان در دلها نیست!
- ۴) کسانی هستند که تنها به‌گونه‌ای که خدا رضایت می‌دهد با مردم رفتار می‌کنند، زیرا تقوی فقط در مسائل جاری نمایان می‌شود و یک مسأله پنهان در درون دلها نیست!

۸۳- « إِنَّ تَلْمِذَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ مُشْتَاقًا وَ هُوَ يَحْمَلُ مَحْفَظَتَهُ الْفَارِغَةَ عَلَى كَتْفِهِ! »:

- ۱) با شروع سال تحصیلی دانش‌آموز کلاس اولی با اشتیاق کیفش را که خالی است بر کتفش گذاشته به مدرسه می‌رود!
- ۲) دانش‌آموز کلاس اول در آغاز سال تحصیلی با شوق به مدرسه می‌رود در حالیکه کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!
- ۳) در ابتدای سال تحصیلی دانش‌آموزی که کلاس اول است مشتاقانه به مدرسه می‌رود و او کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!
- ۴) دانش‌آموز کلاس اولی در ابتدای سال تحصیلی در حالیکه مشتاقانه کیفش را که خالی است بر روی کتفش حمل می‌کند به مدرسه می‌رود!

۸۴- « يا بنتي؛ لا تحقري من الخير شيئاً و افعليه و اعلمي أن صغيرة كبير و قليلة كثير!»: ای دخترم؛ ...

(۱) هیچ مقداری از خیر را حقیر بدان وقتی انجامش دادی، پس بدان که کوچک آن بزرگ شده و کم آن فراوان می‌شود!

(۲) هیچ چیز از خیر را که انجامش دادی کوچک بشمار نیاور و بدان که کوچکش بزرگ و کمترش فراوان می‌شود!

(۳) هیچ چیزی از خیر را حقیر مپندار و آن را به انجام برسان، و بدان کوچکش بزرگتر و کمترینش بسیار است!

(۴) هیچ مقدار از خیر را کوچک مشمار و آن را انجام بده، و بدان که کوچک آن بزرگ و اندک آن بسیار است!

۸۵- « إذا حدثت ظاهرة و نو طبيعية، يحاول العلماء أن يعرفوا سرّ تلك الظاهرة فنصل هذه المحاولات إلى أجوبة تحسن حياتنا!»:

(۱) هنگامی که یک پدیده حادث شد اگرچه به صورت طبیعی، دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده کوشش می‌کنند و این تلاشهایی است که برای خوب کردن زندگیمان به جواب می‌رسد!

(۲) هنگامی که پدیده‌ای اتفاق افتاد اگرچه طبیعی، راز آن پدیده با کوشش دانشمندان شناخته می‌شود، و اینها تلاشهایی است که به جوابی برای بهتر کردن زندگیمان می‌رسد!

(۳) هرگاه پدیده‌ای هرچند طبیعی بوجود بیاید، دانشمندان سعی می‌کنند که راز آن پدیده را بشناسند، و این کوششها به جوابهایی می‌رسد که زندگی ما را نیکو می‌گرداند!

(۴) هرگاه یک پدیده‌ای هرچند طبیعی بوجود بیاید، دانشمندان می‌کوشند تا راز آن پدیده شناسایی شود و این کوششها به جوابهایی می‌رسد که زندگی ما را بهتر می‌گرداند!

۸۶- عین الصحیح:

(۱) كاد الشاب يصل إلى ما يحبّه إن كان يواصل أعماله: جوان نزدیک است به آنچه دوست دارد برسد اگر به کارهایش ادامه دهد!

(۲) لامشقة هناك إلا وهي تجهزك لتوفيقانك في المستقبل: هیچ مشقتی وجود ندارد مگر اینکه تو را برای موفقیت‌هایت در آینده آماده کند!

(۳) يا معلّم؛ سامحني و اعلم أنني سوؤدّي واجباتي: ای معلّم؛ به من اجازه بده و بدان که من تکالیفم را انجام خواهم داد!

(۴) لا يكذب إلا من كان ضعيفاً و هو لا يدري أن الكذب من ضعفه: کسی جز ضعیف دروغ نمی‌گوید در حالیکه نمی‌داند که دروغگویی از ناتوانی است!

۸۷- عین الخطأ:

- (۱) كان صديقي من الذين يُسمح لهم الدخولُ إلى خزانة الكتب: دوستم از کسانی بود که به آنها اجازه ورود به گنجینه‌های کتاب را می‌دهند.
- (۲) مَنْ هو الأقوى ينال الكأسَ الذهبيَّ في هذه المباراة: کسی که قوی‌تر است در این مسابقه به جام طلائی دست می‌یابد!
- (۳) كنتُ وافقتُ أخي لفتح مكانٍ لبيع الكتبِ العلميَّة: با برادرم برای گشودن مکانی برای فروش کتابهای علمی موافقت کرده بودم!
- (۴) يستطيع الإنسانُ أن يصعد فوق الجبالِ و لكنه لا يبقى هناك إلا قليلاً: انسان می‌تواند به بالای کوهها صعود کند ولی فقط اندکی آنجا می‌ماند!
- ۸۸- « آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهیانی را ببینی که پی در پی از آسمان فرو می‌ریزند؟ »
عین الصحیح:

- (۱) هل تُصدِّقُ في يومٍ من أيامٍ أن تتساقط الأسماكُ تراها مرتبًا من السماء؟
- (۲) أ تُصدِّقُ أن تشاهد سقوطًا متواليًا في يومٍ من الأيام من السماء للأسماك؟
- (۳) أ تُصدِّقُ في كلِّ الأيام أن تشاهد السقوط المتوالي في السماء للأسماك؟
- (۴) هل تُصدِّقُ أن ترى في يومٍ من الأيام أسماكًا تتساقط من السماء؟

■ ■ اقرأ النصَّ التالي ثمَّ أجب عن الأسئلة (۸۹- ۹۳) بما يناسب النص:

قد تأمل اللغويون منذ القديم حول موضوع نشأة اللغة، فهم كانوا يسألون أنفسهم من أوجدها؟ هل ألهمها الله الإنسان أم أنتجها الإنسان؟ ولهم رأيان في هذه المسألة: فريقٌ منهم يرى أن مصدر اللغة هو الله تعالى، و جماعةٌ أكثر تعتقد أن اللغة طاقةٌ أوجدها الله في الإنسان، لكنه هو الذي اكتشفها لرفع حاجته عند إيجاد العلاقة مع الآخرين!

فكان الإنسان البدوي يحقق هذه الغاية عن طريق وسيلةٍ أخرى مثل ضرب الطبل أو إشعال النار أو حك النقوش على الحجارة... بعد مرور زمن فهم أنه يقدر أن يُقلد الأصوات في الطبيعة، مثل صوت الطيور و الحيوانات أو صوت المياه و العاصفة و... و يوجدها. ثم شيئاً فشيئاً أدرك أنه يقدر أن يجعل هذه الأصوات واحدةً جنب الأخرى و يُشكّل المفردات و الألفاظ، و بعد ذلك نتجت الجملة! فهكذا ظهرت للإنسان وسيلةً ارتباطية سهّلت له العلاقة مع الآخرين!

۸۹- عین الخطأ:

- (۱) من البداية قام الإنسان حين وضع أقدامه في الدنيا بتقليد من الطبيعة حول إنتاج الكلمات.
- (۲) عند فقدان اللغة الصوتية هناك لغات و وسائل أخرى تقوم بإيصال الأخبار.
- (۳) أكثر اللغويين المسلمين لا يعتقدون بأن مصدر اللغة هو الله تعالى.
- (۴) اللغة الصوتية جاءت قبل لغة الكتابة، فأصل اللغة سماعي.

٩٠- عین الصحیح:

- (١) كان الطریق للاتصال مع الآخرين في القديم مسدوداً!
- (٢) أخيراً بدأ الناسُ يُفكِّرون حول اللغة و موجدِها!
- (٣) اللغة عند البعض هو اختراعُ البشر!
- (٤) الطبيعة معلّم الإنسان!

٩١- أيُّ موضوع لم يأت في النص؟

- (١) منشئ اللغة.
- (٢) زمن نشأة اللغة.
- (٣) كيفية نشأة اللغة.
- (٤) طرق بيان ما في الضمير في القديم.

■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (٩٢ و ٩٣)

٩٢- « تأمل - يسألون - الله - مصدر »:

- (١) مصدر: اسم - مفرد مذكر - اسم مكان - معرب / اسم «أن» المشبهة بالفعل و منصوب
- (٢) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة (علم) - معرب / فاعل و مرفوع لفعل «ألهم»
- (٣) تأمل: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب تفعل / فعل و فاعله «اللغويون» و هو مرفوع بالواو، و الجملة فعلية
- (٤) يسألون: فعل مضارع - للجمع الغائب - مجرد ثلاثي - متعدٍ / فعل و فاعل، و الجملة فعلية، و النون حرف وقاية، و مفعوله «أنفس»

٩٣- « طريق - الأصوات - يجعل - ظهرت »:

- (١) الأصوات: اسم - جمع سالم للمؤنث (مفردة: صوت، مؤنث) - معرف بال - معرب / مفعول به و منصوب
- (٢) ظهرت: فعل ماضٍ - للمؤنث الغائب - مجرد ثلاثي - لازم / فعل و فاعله «وسيلة» و الجملة فعلية
- (٣) طريق: اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / مجرور بحرف الجر؛ عن طريق: جار و مجرور
- (٤) يجعل: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - متعدٍ / فعل و مع فاعله جملة فعلية

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٩٤ - ١٠٠)

٩٤- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) في اللغة العربية مئات الكلمات المعربة ذات الأصول الفارسية!
- (٢) يبلغ الصادق بصدق ما لا يبلغه الكاذب باحتياله!
- (٣) تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!
- (٤) إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل!

٩٥- ﴿ و عسى أن تَكْرهوا شيئاً و هو خير لكم ﴾. عَيْن غير المناسب لمعنى الآية الكريمة:

- (١) ﴿ أن تُصبروا خيراً لكم و الله غفور رحيم ﴾ (٢) ای بسا درد که باشد به حقیقت درمان!
- (٣) ﴿ لا تُدري لعلَّ الله يحدثُ بعد ذلكُ أمراً ﴾ (٤) بسیار دردمندی بود که به تندرستی رساند!

٩٦- عَيْن الخطأ (عن الفعل المضارع):

- (١) عليك أن لا تكذبين لأنك كنت صادقة دائماً!
- (٢) حاولت المعلمات أن يساعدن التلميذات في تعلم الدروس!
- (٣) هذان الطائران ينقران جذع الشجرة بمنقارهما حتى يصنعا بيتهما!
- (٤) عزم أصدقائي أن يرجعوا من الملعب بالحافلة بعد انتهاء المسابقة!

٩٧- عَيْن ما فيه الشرط (من حيث المعنى):

- (١) من يُبعد نفسه عن السيئات و الذنوب يتخلص من عواقب شرها!
- (٢) ما يرفع درجة الإنسان في الدنيا و يُقرِّبه إلى الله هو الأعمال الحسنة!
- (٣) ما أحسن للإنسان ما يرزقه الله و عليه أن يدرك هذه النعمة أكثر فأكثر!
- (٤) من يغرس فسيلة في الحديقة قادرٌ على غرس فسائل أخرى لينتفع الناسُ بها!

٩٨- عَيْن ما ليس فيه تأكيد:

- (١) إن الشعوب في العالم لم يتقدموا في الثقافة إلا بعد جهودهم الكثير في ميادين العلم!
- (٢) ما جعل اللغة غنية في الأسلوب و البيان إلا تبادل المفردات بين الشعوب و البلاد!
- (٣) في مدرستنا لا تجرى المباريات الرياضية للطلاب في هذه السنة إلا مباريات كرة المنضدة!
- (٤) قلت لتلامذتي الكرام إنكم للتوفيق في دروسكم لاتحتاجون إلا إلى فئة قوية يفقهون الآخرين!

٩٩- عَيْن «تقدماً» يبين نوعية الفعل:

- (١) إذا كان تقدم الإنسان تقدماً حقيقياً يحصل على الدرجات العالية!
- (٢) لم نشاهد تقدماً في مجال العلوم العديدة إلا تقدم العلماء الذؤوبين!
- (٣) تقدم الطلاب في دروسهم تقدماً كان ثمرة محاولتهم الكثيرة!
- (٤) يتقدم كل الشعوب تقدماً إن يستفيدوا من الفرص الذهبية!

١٠٠- عَيْن ما ليس فيه من أعداد العقود:

- (١) عمري عشرون سنة و أختي في التاسع عشر من عمرها؛
- (٢) والذي له خمسون سنة من العمر و والدتي أربع سنوات أقل منه؛
- (٣) جدِّي يعيش معنا مثل قبل هذا بمائة سنة في بيت واحد؛
- (٤) نحبّه لأنه عطوف و يقول لنا قصصاً من ذكرياته في سبعين سنة من عمره!